روزنه

روایت محمد مهاجری از فروپاشی اصولگرایان

قالیباف از انتخابات کناره گرفت

● **شرق:** در شرایطی که ائتلاف اصولگرایان برای چندمین بار شکست خورد، مهاجری، سردبیر سابق کیهان، هم روز گذشته گفته است: «اصولگرایی یک جریان کاملا ازهم‌پاشیده است و این فروپاشی به سال‌های ۹۲ یا ۸۸ و حتی ۸۴ برنمی‌گردد». در تأیید ادعای سردبیر سابق کیهان همین بس که حسین قربانزاده، دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت ایران اسلامی و مشاور سیاسی قالیباف هم به «باشگاه خبرنگاران» گفت: «قالیباف برای کاندیداتوری در انتخابات مذاکره‌ای با جبهه مردمی نداشته است و اعضای جبهه و نیروهای منتخب براساس لطف و علاقه خود نام وی را مطرح کردند». قربانزاده در ادامه گفت: «به نظر بنده، قالیباف قصدی هم برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری ندارد و منش و روش وی همیشه بر حمایت از هر حرکتی بوده و هست که برای کمک به مردم و حل مشکلات آنها صورت گیرد و بر این اساس نیز در آینده عمل خواهد کرد».روز گذشته قاسم روانبخش، عضو مؤثر جبهه پایداری، هم تأکید کرد این جبهه در جریان ائتلاف اصولگرایان نه حضور دارد و نه نامزدی معرفی کرده است. شاهد دیگر هم اینکه جریان احمدی‌نژاد با حمید بقایی به عرصه رقابت‌های انتخاباتی ۹۶ می‌آید و مؤتلفه هم اعلام کرده نامزد حزبی‌شان تا آخر مناظره‌های انتخاباتی در صحنه خواهد ماند. هیچ بعید نیست که تا موعد انتخابات، افراد و جریان‌های دیگری درون اصولگرایی هم اعلام استقلال کنند.

مهاجری روز گذشته به ایسنا گفت: «ما عادت کرده‌ایم بگوییم احمدی‌نژاد آمد و جریان اصولگرایی را از هم پاشید و آن را متلاشی کرد. این حرف غلطی نیست؛ اما تقلیل‌دهنده واقعیت است. همان‌طورکه می‌گویند گورباچف آمد و باعث فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شد. درحالی‌که شوروی از داخل پاشیده بود و گورباچف تنها پرده را کنار زد. احمدی‌نژاد هم گرچه ضرباتی به جریان اصولگرایی زد، ولی همان کار گورباچف را مشابه‌سازی و از جریان فروپاشیده اصولگرایی رونمایی کرد».

این روزنامه‌نگار اصولگرا نه‌تنها قائل به فروپاشی جریان اصولگرایی است، بلکه فراتر از آن معتقد است که چنین جریانی در شرایط حاضر اصلا وجود خارجی ندارد. او گفته است: «حتی اگر در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری اصولگرایان تنها یک نامزد را به میدان بفرستند و بر فرض پیروز هم بشوند، باز هم این جریان اصولگرایی نیست که پیروز شده؛ چراکه این جریان اصلا وجود خارجی ندارد».

در شرایطی که نام پرویز فتاح و سعید جلیلی به‌عنوان گزینه‌های جبهه پایداری در مجمع عمومی جبهه مردمی نیروهای انقلاب «جمنا» مطرح شده بود، قاسم روانبخش، عضو شورای مرکزی جبهه پایداری، روز گذشته به «ایلنا» گفت: «از سوی جبهه پایداری فهرستی به جمنا ارائه نشده تا در معرض رأی قرار گیرد. جبهه پایداری جزء ائتلاف جبهه مردمی نیست و هیچ‌یک از اعضای جبهه پایداری در مجمع عمومی حضور نداشتند و آقایان فتاح و جلیلی هم جزء پایداری نیستند؛ اما اینکه با چه سازوکاری در این فهرست قرار گرفته‌اند، ظاهرا این‌گونه بوده که اسامی که حضار پیشنهاد داده‌اند در معرض رأی قرار گرفته است». محمدتقی رهبر هم روز گذشته درباره علت نپیوستن سعید جلیلی و جبهه پایداری به جبهه مردمی نیروهای انقلاب، به «خبرآنلاین» گفت: «طبعا خودشان مستقل عمل می‌کنند و هیچ‌کس هم با آنها دعوا ندارد». رهبر در پاسخ به این سؤال که اگر پایداری و جبهه مردمی مستقل عمل کنند این اقدام آنها برای اصولگرایان رأی‌شکن نخواهد بود، گفت: «اگر تعدد نامزد باشد، به طور طبیعی آرای اصولگرایان خرد می‌شود». محمدرضا باهنر، رئیس جبهه پیران خط امام و رهبری، هم گفته است مهم‌ترین علت شکست ما در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره قبل، وجود تفرقه و تعدد نامزدهای انتخاباتی بود.

رئیسی‌نه

در برخی اخبار منتشرشده در روزهای گذشته، ادعا شده بود حجت‌الاسلام «سیدابراهیم رئیسی»، نامزد نهایی «جمنا» شده است. خبری که به‌سرعت از سوی دفتر تولیت آستان قدس تکذیب شد، آن هم درحالی‌که اصولگرایان می‌گویند فعلا به ۲۱ نامزد رسیده‌اند و تا رسیدن به گزینه نهایی چند مرحله دیگر باقی است. محمدتقی رهبر، عضو جامعه روحانیت مبارز تهران، هم روز گذشته با رد این تحلیل که آیت‌الله ابراهیم رئیسی نامزد نهایی اصولگرایان است و برگزاری مجمع ملی و انجام انتخابات مرحله‌ای بین ۲۱ چهره اصولگرا اقدامی نمایشی بود، گفت: «خیر این‌طور نیست. نظر جمع بعد از بررسی‌ها، رایزنی‌ها، مشورت‌ها و گفت‌وگوها معلوم می‌شود؛ بنابراین در مجموع باید گفت چه‌بسا این‌طور بشود و چه‌بسا نشود». آن‌طورکه از اخبار رسمی برمی‌آید، قرار شده از میان ۲۱ نفر فعلی در مجمع دوم، پنج نفر به صورت نهایی مشخص شوند و شورای مرکزی جبهه مردمی از میان آنان، یک نفر را به عنوان نامزد نهایی اصولگرایان و یک نفر را نیز به‌عنوان رزرو برای حوادث پیش‌بینی‌نشده، انتخاب و معرفی کند.

politics@sharghdaily.ir

توصیه احمدی‌نژاد به ترامپ

ادامه از صفحه اول

پارامترهای زیادی شبیه به هم بود و تنها نقطه افتراق فاحش بین محمود احمدی‌نژاد و دونالد ترامپ تفاوت طبقاتی‌شان بود که سلوکشان را متفاوت می‌کرد.

حالا همزاد ترامپ از محله نارمک تهران برایش نامه نوشته و به عنوان «فرزند ملت بزرگ، تمدن‌ساز و فرهنگ‌آفرین ایران» او را از عظمت خدمت به مردم آگاه کرده است: «انسان در مسیر خدمت به دیگران، به خداوند نزدیک می‌شود و رستگاری ابدی را برای خود به ارمغان می‌آورد». محمود احمدی‌نژاد که بعد از پایان دوره ریاست‌جمهوری به عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شده و به دانشگاه علم و صنعت برای تدریس بازگشته است، اکنون دارای هیچ مقام سیاسی خاصی نیست. اما او و یارانش که همیشه ترفندهایی برای بازگشت به عرصه سیاسی در سر دارند، همیشه از فرصت این‌گونه اقدامات برای عرض اندام داخلی و زنده‌کردن نام خود استفاده می‌کنند. بعد از پایان دولتش، مشکلات بزرگی از قبیل فساد اقتصادی و هدررفت بسیاری از اموال کشور گزارش شده که تاکنون اعضای دولت‌های نهم و دهم پاسخ مستدلی به آنها نداده‌اند.

توصیه‌های احمدی‌نژاد به ترامپ

روز گذشته با انتشار خبر ارسال نامه احمدی‌نژاد به ترامپ فضای مجازی پر شد از شوخی‌های مجازی کاربران. یکی از عمده‌ترین اینها توجه به این موضوع بود که ترامپ گفته گزارش‌های امنیتی طولانی را نمی‌خواند و دستور داده که در یک صفحه خلاصه شود، حالا چطور نامه‌ای به این مفصلی را خواهد خواند.

نامه محمود احمدی‌نژاد به دو زبان به سفارت سوئیس در تهران (حافظ منافع آمریکا در ایران) تحویل داده شده تا به گیرنده در واشنگتن برسد. البته خودشان هم از فضای مجازی استفاده کرده و نامه را به حساب توییتری ترامپ ارسال کرده‌اند.

احمدی‌نژاد در نامه‌اش از انتخاب ترامپ استقبال کرده و نوشته «از فضای سیاسی و رسانه‌ای آمریکا چنین استنباط می‌شود که نتیجه انتخابات برخلاف روال معمول و خارج از اراده و پیش‌بینی هیئت حاکمه و جریان اصلی پشت صحنه سیاست آمریکا بوده است. مواضع حزب رقیب و برخی از اعضای حزب شما و اغلب رهبران غربی نیز همین مطلب را القا می‌کند. صرف‌نظر از صحت و سقم آن، انتخابات اخیر، بخشی از مطالبات واقعی و انباشته مردم آمریکا را آشکار کرد».

در ادامه نامه و بعد از مقدمه ۹بندی سراسر پند و نصیحت، از او خواسته که نظام انتخاباتی و سیاسی آمریکا را اصلاح کند، با احترام به زنان نقش آنان را در مشارکت و رهبری در نظر بگیرد و مانع «دست‌اندازی» آمریکا به منافع کشورهای دیگر شود. «جناب‌عالی به درستی، نظام سیاسی و ساختار انتخاباتی آمریکا را فاسد و ضدمردمی توصیف کرده‌اید. نظام انتخاباتی آمریکا برای دهه‌های متوالی، رأی مردم را به اسارت گروهی اندک گرفته است. گروهی که در ظاهر در قالب دو حزب حکومت می‌کنند اما در واقع نماینده یک اقلیت، یعنی سردمداران ثروت و قدرت جهانی‌اند. تغییر نظام انتخاباتی آمریکا و آزادکردن اراده و منافع مردم از این اسارت تحمیلی، کاری بزرگ و اصلاحی اساسی است».

رهنمودهای اقتصادی

احمدی‌نژاد در بخش دیگری از این نامه از همان مدل حساب و کتاب‌هایی که جلوی دوربین تلویزیون، آمار اشتغال در دولتش را بیش از ۸۰ درصد محاسبه می‌کرد، نوشته «جناب‌عالی اعلام کرده‌اید که خزانه‌داری کل آمریکا طی چند سال حدود ۲۳ هزار میلیارد دلار دارایی کاغذی خلق کرده است. معنای این سخن آن است که با سوءاستفاده از جهان‌روایی دلار و بدون کار و تلاش یا ارائه کالا و خدمات، این رقم از جیب ملت‌های جهان برداشته شده است. متأسفانه این سرقت بزرگ و مدرن به نام مردم آمریکا ولی در واقع به نفع عده‌ای خاص انجام شده است. این بدان معناست که دولت و هیئت حاکمه آمریکا به همین مقدار به دیگر ملت‌ها بدهکارند. گمان ندارم که مردم آمریکا به این بزرگ‌ترین دستبرد تاریخ راضی باشند. انتظار این است که ثروت ربوده‌شده ملت‌ها به آنها بازگردد یا لااقل این روند غیرانسانی و مخرب متوقف گردد. این یک اصلاح اساسی و ساختاری است».احمدی‌نژاد در هیچ‌کجای نامه مفصلش تلاش نکرده به اتهاماتی که این روزها دونالد ترامپ و اعضای امنیتی و نظامی کابینه‌اش به جمهوری اسلامی ایران می‌زنند پاسخ دهد و اساسا توجهی به آن نکرده است. او تنها در یک جمله نوشته «یادتان باشد تصویری که رسانه‌های آمریکایی از ملت ایران ارائه می‌کنند، هرگز منعکس‌کننده واقعیت‌های مردم بزرگ و شریف ایران نبوده و نیست». او همچنین به دستور ترامپ مبنی بر منع ورود شهروندان ایرانی به آمریکا به اتهام حمایت از تروریسم نیز نپرداخته است. البته رضایتمندی خود را از رویکرد ترامپ نسبت به رسانه‌ها نشان داده است.

نامه‌های بی‌پاسخ

محمود احمدی‌نژاد وقتی بر صندلی ریاست دولت در ایران نشست، ارسال نامه به برخی سران کشورهای جهان را آغاز کرد. نامه‌نوشتن به سران کشورهای خارجی از همان ابتدای دولت برایش جذابیت داشت؛ اما هیچ‌کدام از نامه‌هایش پاسخی دریافت نکرد.

او اولین نامه، از این سری را در اردیبهشت سال ۸۵ به جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا نوشت و با ارسال نامه به آنگلا مرکل، ژاک شیراک، رومانو پرودی و پاپ بندیکت شانزدهم این روند را ادامه داد. او آبان ۸۵ هم اعلام کرد قصد دارد پیامی خطاب به ملت آمریکا بفرستد و ملت آمریکا را مردمی خواند که زیر فشار قرار دارند و از حکومت خود ناراضی هستند و گفت ارسال پیام برای آمریکاییان را به درخواست خود آنان انجام می‌دهد. وزارت امور خارجه آمریکا در اولین واکنش به نامه محمود احمدی‌نژاد به جورج بوش، آن را «تلاشی ضعیف» برای گفت‌وگو با مردم آمریکا خواند. نامه «هجده‌صفحه‌ای» او مشابه نامه‌اش به ترامپ بود، پر از اظهاراتی برای اصلاح امور جهان و البته آمریکا.

آبان ۱۳۸۶ خبر ارسال نامه به نیکلای سارکوزی، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، از سوی روزنامه لوموند به نقل از سخنگوی الیزه منتشر شد. این دومین نامه رئیس‌جمهوری ایران به کاخ الیزه بود، نامه قبلی برای ژاک شیراک ارسال شده بود. براساس آنچه از محتوای نامه‌ها شنیده شد، احمدی‌نژاد می‌کوشید فرانسه را به ارتباط بهتر با ایران متمایل کند.

پس از پیروزی اوباما در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، احمدی‌نژاد پیام تبریکی برای او فرستاد. با اینکه این کار به‌دلیل قطع رابطه دو کشور اساسا در عرف دیپلماتیک نمی‌گنجید، او در تمام دوره ریاست‌جمهوری‌اش تلاش می‌کرد رابطه با آمریکا را از سر بگیرد و تمایل‌نشان‌دادن به مذاکره دوجانبه و این نامه‌ها جزء تلاش‌های ناکام او بود؛ اما او بعد از پایان ریاست‌جمهوری هم از نامه‌نوشتن دست برنداشت. ۱۸ مرداد ۱۳۹۵ در دو صفحه با سربرگ رسمی دفتر رئیس‌جمهور دوره نهم و دهم، برای باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، نامه نوشت. او در این نامه از باراک اوباما خواست حکم توقیف دو میلیارد دلار اموال ایران را که تیرماه امسال از سوی دیوان عالی آمریکا صادر شده است، ابطال کند. این نامه هم با عنوان «خادم ملت ایران محمود احمدی‌نژاد» امضا شد؛ اما نامه‌های خادم ملت ایران هیچ پاسخی دریافت نکرده و معلوم نیست ترامپ پیش‌بینی‌نشدنی به نامه او چه واکنشی نشان دهد، اگر سکوت نکند، به نظر نمی‌رسد واکنش مثبتی نشان دهد.

خبر

رئیس سازمان صداوسیما:

«ثریا» سیاه‌نمایی کرد، تعطیل شد

● **ایلنا:** «علی‌عسگری»، رئیس سازمان صداوسیما دیروز با حضور در فراکسیون مستقلین مجلس شورای اسلامی، درباره برنامه «ثریا» با اشاره به آن قسمت از برنامه که وزیر بهداشت در آن حضور داشت، گفت: «من خودم آن برنامه را دیده‌ام؛ هرچند دست‌اندرکاران آن برنامه بچه‌های انقلابی هستند، اما با وجود این، برنامه را به مدت دو ماه تعطیل کردیم؛ چراکه معتقدیم نباید سیاه‌نمایی کرد. در واقع رویکرد این برنامه درست نبود، به همین دلیل تعطیل شد تا دست‌اندرکاران آن ضوابطی را بپذیرند و به آنها تأکید کردیم باید به میهمانان خود اعم از مدیران و وزرا احترام بگذارند». او تأکید کرد: «انقلابی‌بودن خوب است و ما خود افتخار می‌کنیم دیدگاه انقلابی را مطرح می‌کنیم، اما تندروی خوب نیست به همین دلیل ما نسبت به این موضوع حساسیت و دقت داریم تا مبادا سیاه‌نمایی شود؛ چراکه برای من شخصا مهم است برنامه‌های رسانه ملی اعتبارات نظام را زیر سؤال نبرد». او افزود: «این سازمانی که امروز به دست من رسیده، ماهانه ۱۸۵ میلیارد تومان حقوق کارمندانش می‌شود؛ درحالی‌که کل بودجه‌ای که دولت به ما می‌دهد هزارو ۲۰۰ میلیارد تومان است و می‌گویند مابقی را خودتان به‌دست آوردید، چگونه؟ درواقع در این رکود باید تبلیغاتی را روی آنتن ببریم که خودمان بسیاری از آنها را قبول نداریم».او با بیان اینکه به مقام معظم رهبری نامه نوشته و درخواست افزایش بودجه پایه صداوسیما را داشته و ایشان به رئیس مجلس فرموده‌اند که کمک کند، افزود: «انتظار داشتیم همان هفت‌دهم درصدی که در کمیسیون تلفیق برنامه پنج‌ساله ششم تأیید شد، داخل بودجه سالانه هم بیاید و پایه بودجه افزایش داشته باشد؛ اما با این شرایط رسانه ملی در سال آینده قابل اداره نیست؛ بنابراین امیدوارم در روزهای باقی‌مانده برای تعیین تکلیف بودجه سال ۹۶ کاری برای رسانه ملی شود؛ چراکه اگر رسانه ملی آسیب ببیند، جامعه آسیب خواهد دید».او ادامه داد: «حدود شش هزار میلیارد تومان تنها هزینه اداره شبکه BBC فارسی‌زبان می‌شود و باید پرسید چرا باید برای یک شبکه در انگلستان این‌گونه هزینه شود و یک سازمان بزرگ با ۱۴۵ شبکه در شرایط بسیار سختی اداره شود».

ادامه از صفحه اول

بقایی یعنی احمدی‌نژاد

احمدی‌نژاد خرداد ۹۲ دست مشایی را گرفت و به وزارت کشور برد و گفت من یعنی مشایی و مشایی یعنی من: «من آقای مشایی را ۲۸ سال است که می‌شناسم، وی فردی مؤمن، پاک و کارآمد است، او عمیقا باورمند به ارزش‌های الهی و اصول برآمده از اندیشه امام است و عمیقا به توانمندی‌های عظیم ملت ایران باور دارد. مشایی همه قوت‌های این دولت و برادر کوچکش احمدی‌نژاد را دارد و نقاطی برجسته و کامل‌تر و بالاتر از آن دارد». جملات مشایی در حمایت از بقایی، در نشست دیروز تکرار همان شیوه چهار سال پیش احمدی‌نژاد است. بسیاری معتقدند نامزدی حمید بقایی را باید در قالب سناریوی پوتین - مدودوف تحلیل کرد. با این تفاوت که برای جلوگیری از سرریز هزینه احتمالی رد صلاحیت بقایی به احمدی‌نژاد، تصمیم گرفته شد مشایی به نیابت از احمدی‌نژاد، از بقایی حمایت کند. برای همین در حمایت از بقایی گفته است: «بقایی پرچم پاکی و سند پاکی احمدی‌نژاد است که پس از ۲۲۵ روز بازداشت، بدون کیفرخواست و وثیقه آزاد شد. من افتخار می‌کنم اگر شباهتی به احمدی‌نژاد داشته باشم اما اعلام می‌کنم بقایی به احمدی‌نژاد شبیه‌تر است. برخی می‌پرسند آیا بقایی رأی می‌آورد؟ بنده می‌گویم بقایی در این انتخابات اصلا رقیبی ندارد. ما برای بعد انتخابات تحلیل داریم. اتفاقات امروز را هم از سال‌ها قبل پیش‌بینی می‌کردیم. هیچ دلیلی برای رد صلاحیت بقایی وجود ندارد. در بین رجال کسی را نمی‌بینم که جرئت شوخی با بقایی را داشته باشد. ما ولایت فقیه را برای آحاد ملت می‌خواهیم. در آینده نزدیک دیدگاه‌های خود را درخصوص ولایت فقیه خواهم گفت. اینها که می‌گویند براساس توصیه رهبری احمدی‌نژاد نباید از کسی حمایت کند، اگر ایشان از نامزد موردنظر آنان حمایت کند، باز هم این حرف‌ها را خواهند زد؟ آقای بقایی براساس ضوابط قانونی جزء رجال سیاسی هستند. آنچه از بیانات مقام معظم رهبری دریافت کردیم این است که دکتر احمدی‌نژاد فقط به عنوان نامزد حضور نداشته باشد. اگر از بیانات مقام معظم رهبری دریافت می‌کردیم که دکتر احمدی‌نژاد کلا حضور نداشته باشد، هیچ فعالیتی شروع نمی‌کردیم»مشایی که سال ۸۸ به صورت صریح از سوی مقام معظم رهبری برای برعهده‌گرفتن پست معاون‌اولی احمدی‌نژاد منع شد، دیروز گفته است: «من تمام‌قد پای کار بقایی آمده‌ام. من آمده‌ام که با همه وجود و تمام‌قد فریاد بزنم که بقایی، احمدی‌نژاد است». درحالی‌که گفته شد یکی از دلایل منع احمدی‌نژاد از ورود به عرصه رقابت‌های انتخاباتی سال ۹۶ شکل‌گیری یک دوقطبی است، او تحلیل یا تهدید کرده که: «اگر بقایی رد صلاحیت شود، دوقطبی خطرناکی شکل خواهد گرفت. عدم تأیید صلاحیت بقایی هم محبوبیت بقایی را افزایش خواهد داد هم به محبوبیت دکتر احمدی‌نژاد خواهد افزود».

راه‌دکتر
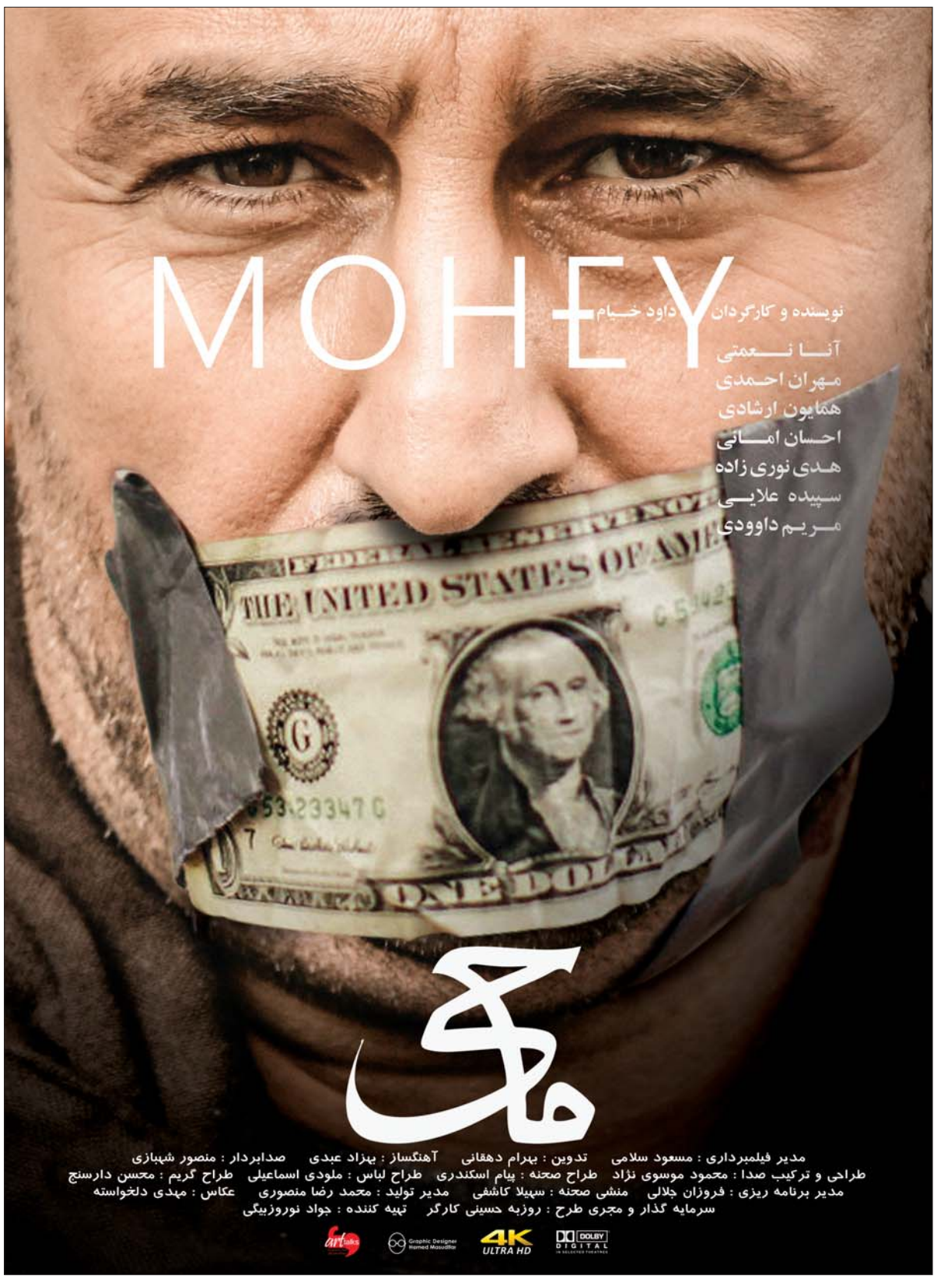
مشایی مدعی شده که احمدی‌نژاد نمی‌تواند مستقیم از کسی دفاع و حمایت کند و حالا این نقش به او سپرده شده است اما درباره علت و دلایل این عدم امکان سخنی نگفته است. مشایی زیرکانه از توضیح بیشتر خودداری کرده و در ادامه پاسخ خودش را این‌گونه داده است: «احمدی‌نژاد برای حمایت از افراد محدودیت دارد، افراد منعی ندارند که بگویند ایشان را دوست داریم و از ایشان دست نمی‌کشیم. ما اینجا هستیم که اعلام کنیم راه دکتر احمدی‌نژاد را ادامه می‌دهیم و این راه را بدون حضور دکتر احمدی‌نژاد به رسمیت نمی‌شناسیم. فردی را می‌خواهیم که علاوه بر اینکه تبلور احمدی‌نژاد است، بتواند تا روز ثبت‌نام و رأی‌گیری فشارها را تحمل کند و در صحنه بماند. فردی می‌خواهیم که وقتی رئیس‌جمهور شد عاشقانه و مهرورزانه به نام نامی احمدی‌نژاد راه را ادامه دهد».مشخص است که مشایی تحلیل‌هایی را که از دلایل آمدن بقایی می‌شود، رصد می‌کند تا جایی که در نشست دیروز هم سعی کرده به همان‌ها پاسخ دهد. مثلا درحالی‌که گفته می‌شود یکی از اهداف اعلام نامزدی بقایی، برهم‌زدن بازی اصولگرایان است تا آرای بدنه حامیان احمدی‌نژاد به حساب سبد رأی اصولگرایان ریخته نشود، یا اینکه با احتمال رد صلاحیت بقایی، نفع حامیان احمدی‌نژاد باقی‌ماندن روحانی بر مسند ریاست‌جمهوری است تا یک اصولگرای جدید، اما بقایی گفته است: «می‌گویند بقایی آمده تا رأی روحانی را زیاد کند، باید گفت آنها (روحانی) رأی ندارند؛ امید آنها هم شما (اصولگرایان) هستید! عدم ورود احمدی‌نژاد موجب کاهش مشارکت مردم در انتخابات شده اما با ورود بقایی تلاش می‌کنیم مانع کاهش آرا شویم». بازی احمدی‌نژادی‌ها تازه شروع شده است. این بار بقایی و مشایی احمدی‌نژاد، هم صحنه‌گردان هستند هم بازیگر اصلی.